

با این جهان هم‌نوا مباش



احمد غلامی

سیمون وی، عبارت شگفت‌انگیزی دارد که می‌توان آن را در اغلب دوره‌های تاریخی جهان به کار برد: «با این جهان هم‌نوا مباش». سیمون وی، متفکر و نویسنده فرانسوی، در ۱۹۰۹ به دنیا آمد و ۱۹۴۳ از بین رفت. او حدود ۳۴ سال عمر پرتلاطم را پشت سر گذاشت. با بیماری و ضعف جسمانی دست‌وپنجه نرم کرد و با اینکه زنی نحیف و رنجور بود، مانند کارگران تن به کارهای بدی سپرد. به نهضت مقاومت پیوست و علیه فاشیست‌های اسپانیا جنگید و دست‌آخر به خاطر اعتصاب غذا در اعتراض به اشغالگری آلمان‌ها درگذشت. سیمون وی، انسانی بدیع و شگفت‌انگیز بود که باید در انتسابش به عارفی مسیحی احتیاط کرد؛ چراکه تصویر عارف در این دوره و زمانه چندان اعتباری ندارد؛ به‌ویژه اینکه او عارف به معنای شرعی آن نیست. حتی عارف مسیحی تمام‌عیار هم نیست. شاید عارفی آثارشیم باشد، البته باید این ملاحظه را در نظر داشت که «آثارشست» در اینجا بار مثبتی دارد. سیمون وی مانند آثارشیستی مؤمن رویکردی انتقادی به همه چیز دارد. او علیه هر نوع نسبی‌گرایی است. تفاوت سیمون وی با عارفان سرزمین‌های استبدادی در این نکته تجلی می‌یابد که او تلاش و مبارزه را سرلوحه زندگی‌اش قرار داده و طریقتش انزوا نبوده؛ بلکه دوری بود. او باور داشت همان‌گونه که خدا خود فرصت داده تا آدم ممکن شود، انسان نیز باید خودش را کنار بکشد تا خدا دوباره تجلی یابد. تعابیر سیمون وی بسیار غنی و پربارند. نمی‌دانم تا چه میزان می‌توان این تعابیر را در عرصه سیاست و اجتماع کنونی به کار گرفت؛ اما می‌توان خطر کرد و به استقبال بعضی از تعابیرش رفت و آن تعابیر را در میدان سیاست و اجتماع کنونی محک زد. یکی از تعابیر او «تعالد» است. سیمون وی باور دارد آنان که بدون استفاده از شر به سرآخ خیر مطلق می‌روند، عاقبت‌به‌خیر نخواهند شد. باید سهم خیر و شر، به یک اندازه متعادل نگه داشته شود. این تعادل و توازن بین خیر و شر است که می‌تواند زندگی واقعی را به بشر ارزانی کند و نگذارد بهشت خیالی ساخته‌وپرداخته شود. او می‌گوید: «باید جهنم واقعی را به بهشت خیالی ترجیح داد». آنچه بلای تاریخی کشورمان است، مگر نه همین نبود تعادل است، گاه در لباس خیر و گاه در لباس شر و هرکس برای تأیید باور خودش شاهین ترازو را به نفع خودش دستکاری می‌کند: «اگر بدانیم که کفه‌های ترازوی اجتماع به کدام سو کج می‌شوند، باید هرچه در توان داریم، انجام دهیم تا به وزن کفه سبک‌تر بفراییم. هرچند وزنه‌ای که می‌افزاییم، شروکونه باشد، چنانچه آن را به انگیزه فوق به کار ببریم، احتمالا آلوده شر نخواهیم شد؛ اما باید درکی از تعادل داشته باشیم و همیشه مانند عدالت آماده تغییر جبهه باشیم – عدالتی که از اردوی فاتحان گریزان است». درواقع در ترازوی اجتماع باید سنگ‌های ترازو را کم و زیاد کرد، نه اینکه شاهین ترازو را دستکاری کرد. دستکاری ترازوی اجتماع و سیاست نتایج فاجعه‌باری دارد و جامعه‌ما تجربه‌های ناخوشایندی را از همین منظر پشت سر گذاشته است. تعادل، رابطه تنگاتنگی با اجتماع دارد. این تعادل است که نمی‌گذارد پوپولیست خفته در بطن جامعه دهان باز کند تا هر آنچه را که نشان از خرد دارد، بلعد. سیمون وی تعبیر هولناکی از اجتماع دارد. او اجتماع را «شر بزرگ» یا همان «وحش بزرگ» افلاطون می‌نامد: «از میان این بت‌ها، بت اجتماعی که روحی جمعی دارد، نیرومندترین و خطرناک‌ترین بت است. رد پای بیشترین گناهان را می‌توان در عنصر جمعی بازجست». برای اینکه از سخنان سیمون وی برداشتی نادرست نشود، ناگزیرم عمق نگاه او را با مثالی که خودش زده، روشن کنم: «رم وحش بزرگ الحاد و مادی‌گرایی است که جز خود هیچ چیز را نمی‌پرستد. اسرائیل وحش بزرگ مذهب است. نه ایسن و نه آن، هیچ‌یک دوست‌داشتنی نیستند». سیمون وی مارکسیستی ضد مارکسیست است. انقلابی ضدانقلاب و دینداری سکولار است. او تحت تأثیر کارل مارکس است؛ اما از پدر معنوی‌اش می‌برد و علیه‌اش این‌گونه می‌گوید: «نه مذهب، بلکه انقلاب افیون توده‌هاست». او مسیحی مؤمنی است؛ اما که کشیش و کلیسا از تقداهش بی‌سالم به رد نمی‌برند. او از اجتماع دوری می‌گزیند؛ اما در همین اجتماع است که تن به کار یدی می‌دهد تا جایی که سلامتیش به خطر می‌افتد و بارها بستری می‌شود. او علیه اراده‌گرایی نیچهای است؛ اما خود در شمایل یک «ابرانسان» ظاهر می‌شود. آنچه از این گفته‌ها برمی‌آید این است: تضادهاست که آدمی را می‌سازند.

آدمی همنشین تضادهایش است و یکی را نمی‌توان در برابر دیگری فروکاست.

شنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۲	
۲۸ شعبان ۱۴۴۵	
۹ مارس ۲۰۲۴	
سال بیست‌ویکم	
شماره ۴۷۹۱	
۱۵۰۰۰ تومان	
۱۲ صفحه	

شرق

در «شرق» امروز می‌خوانید: بالاخره اسم داورزنی در بین کاندیداهای ریاست نیست؛ پایان پدرخوانده • ضرب و جرح‌های زیر پوست شهر • جو بایدن در نطق سالانه خود به ترامپ و جمهوری خواهان حمله کرد

برگزیده‌ها

رئیس جمهوری در خوزستان:

اجازه نمی‌دهم فساد در سیستم اداری نفوذ کند

۸ مارس وبازخوانی روزگار زنان

جست‌وجوگری‌های زنانه در گفت‌وگو با آذر تشکر جنگ با زنان؛ روایتی از زندگی تلخ زنان فلسطینی

۱۲۰۶

گفت‌وگو با همایون اسعدیان درباره شرایط اکران سال آینده سینمای ایران

نمی‌توان سینمای اجتماعی را از بخش خصوصی مطالبه کرد

۱۱

یادداشت

پایتخت تاب‌آوری دارد اگر آن را درست بسازیم



پژمان جوزی*

رئیس انجمن صنعت ساختمان

فکرکردن به زلزله مهیب تهران برای مردم به اندازه کافی دلهره‌آور هست اما از آن بدتر این است که مطالبی غیرکارشناسی و به دور از واقعیت‌های دنیای امروز در مورد زلزله تهران نگاشته شود و بیش از اندازه مردم را نگران و وحشت‌زده کند. آن هم اگر این مطلب در رسانه‌ای سراسری منتشر شود که در نتیجه از یک سو نگرانی مردم را بیشتر می‌کند و از سویی حیرت کارشناسان را بر می‌انگیزد. جندی پیش مطلبی تحت عنوان «پایتخت در برابر زلزله تاب‌آوری ندارد» را در یکی از نشریات مطالعه کردم که غیرعلمی و براساس مطالب گردآوری‌شده آن هم به دور از واقعیت‌های موجود نگاشته شده بود که به عنوان سازنده منتخب پایتخت متحیر شدم. صنعت ساختمان تاکنون متولی مشخصی نداشته و از این رو اظهارات غیرکارشناسی در این حوزه زیاد بوده است، چنانکه سازنده بی‌پایه و ریشه‌ای که هیچ نزدیکی با صنعت و علم ساختمان نداشته و ندارد به واسطه کسب اندکی سرمایه‌بازوفروش می‌شود و نتیجه می‌شود آنچه شده است. اما باید جلوی این بساط را از جایی و به کمک رسانه‌های ریشه‌دار و منصف گرفت. بشر از دیرباز گریزی از بلایای طبیعی نداشته و همواره در معرض آسیب بلای طبیعی بوده و خواهد بود. این روند نه تنها متوقف نمی‌شود بلکه با استفاده بیشتر انسان از موابه‌ب کره زمین این شرایط تشدید نیز خواهد شد. چنانکه هم‌اکنون تغییرات اقلیمی موجب نگرانی همه دانشمندان است. اما فرق انسان با سایر موجودات این است که انسان به واسطه فکر و اندیشه، خود را در برابر بلای طبیعی مقاوم می‌کند نه اینکه از آنها فرار کند. بسیار گفته می‌شود که تهران بر روی گسل ساخته شده است و نسبت به این واقعیت دانما حرف‌های غیرکارشناسی و عوامانه مطرح می‌شود. آری تهران روی گسل است چنانکه ژاپن بر روی گسل است، چنانکه سانفرانسیسکو بر روی گسل است و... اما آیا در دنیای جدید مردم ژاپن را از زمین‌لرزه‌ها ایمن می‌کنند و ساخت‌وساز را متوقف می‌کنند؟ خیر.

نگاهی به شرایط ناخوشایند مسکن کیفی و مستحکم مطابق با استانداردهای موجود در سیستان وبلوچستان به بهانه سیل اخیر

خانه‌هایی که با تلنگری می‌ریزند



صفحات ۱۰ و ۴۲

عکس:حامدغلامی،ایرنا

در دسرهای تلخ سیل و ضرورت ارائه کمک‌های مولد

با مهربانی‌های خود سقف بسازید

بررسی نحوه مواجهه فوری دولت

برای مقابله با پیامدهای سیل در گفت‌وگو با نمایندگان

قلم‌هایی که یاری کردند



محمدجواد لسانی

کتاب، معطوف بود به ضلع جنوب شرقی میهن، سیستان و بلوچستان. یعنی همه ایرانیان شهرها و روستاها یک خانواده منسجم هستند. هیچ‌کدام از عضوهای وطن هرگز نباید از خاطره جمعی محو شوند، همه پرستار و سنگ صبور هم هستند.نگاشته نماند زیبایی کار خیریه در این بود که هر کتابی از دست خود نویسنده به دست خیردار می‌رسید. این یک ایده مبارک بود که به زیبایی، عملی شد. با همین روال ساده، می‌توان امید بست که قاطبه اهل فرهنگ در این جنس از حرکت‌ها، واکنش‌های بعدی را نشان دهند و این رمزهای ماندگار تداوم یابد. پیش‌آهنگان که نویسندگان و ناشران کتاب هستند، در کنار قاطبه اهل فرهنگ راست‌قامت ایستادند تا این امر تداوم یابد. خیریه یعنی فکر کمک و دست‌یاری‌گر برای دیده‌شدن محرومان در هر جای میهن به‌ویژه زنان مسئول و آسیب‌دیده‌ای که دیده نشده‌اند، حرکتی برای زدن پل ارتباط با آن دیارها که از پایتخت به دور افتاده‌اند. همچنین می‌توان گفت این‌گونه اقدامات سبب می‌شود تا اهل فرهنگ در زمانه خود حضور پررنگی پیداکنند تا هویت اجتماعی‌شان، هرچه واقعی‌تر شود. شریک‌شدن و پیوندخوردن با دردهای بخش دیگری از کشور یعنی تأکید بر وحدت ملی آن‌هم در آستانه تحویل‌شدن سال. پیگیر مشکلات اجتماعی و رفاهی بخشی از میهن‌مان شدن و یاری‌گری مؤثر به آن مردمان که به هر دلیلی تهیدست و بی‌نگه مانده‌اند. ای‌دین باد.

عصر پنجشنبه‌ای که گذشت، اتفاق فرخنده‌ای رقم خورد. یک اراده جمعی از سوی نویسندگان ادبی شکل گرفت. چهل نفر از اهل قلم برای آخر هفته تهران، تصمیم فشنکی به اجرا گذاشتند؛ «دعوت به خیریه اسفندگان کتاب»، عنوان این اقدام بود. فراخوان این خیریه در فضای مجازی انجام شد و بانیان، بدون آنکه مزاحم کارهای متعدد و لابد ضروری رادیوتلوویزیون شوند که نکند بیرسند این کتاب‌ها را چه کسانی نوشتند و محتوای نوشتار هرکدام از این ۴۰ کتاب چه چیزهایی است، ترجیح دادند که در جای مستقلی این دعوت مبارک، خوانده شود. این درحالی بود که در میان محتوای کتاب‌ها، دیدگاه‌های فکری متنوعی گرد هم جمع شده بود. نویسندگان دوست نداشتند قاب حضورشان با اجناس تبلیغی خرد و درشت رسانه ملی چیده شود. پس با این تدبیر، فضای مجازی برای این فراخوان برتری داده شد. دوستداران ادبیات وقتی این دعوت صمیمانه را از سویی خود نویسندگان در گوشی‌هایشان شنیدند و دریافت کردند، از آن استقبال کردند و به این مکان آشنا رفتند؛ محل قرار، نشر چشمه شد که در خیابان کریم‌خان واقع است. مخاطبان، پاسخ درخور به این پیام نیکوکاری دادند. عواید فروش کتاب به بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان (خانه هدی، شیرآباد زاهدان) اختصاص یافت. علاقه‌مندان، کتاب خریدند تا هرکدام مرهم کوچکی باشد بر زخم‌هایی که فقر باعث آن شده است و چشم‌های خیرداران

ولی آرای عدم مشارکت واقعی قابل شمارش نیست و نهایتاً فقط می‌توان مقدار آن را حدس زد و نه با قطعیت از میزان آن صحبت کرد؛ چراکه مثل اکثر جوامعی که در آنها انتخابات وجود دارد، حدود ۳۰ درصد جامعه، تقریباً در هیچ انتخاباتی شرکت نمی‌کنند؛ چون چندان برای‌شان فرق نمی‌کند که چه کسانی و چگونه بر آنها حکومت کنند و تنها بخشی از این ۳۰ درصد ممکن است در وضعیتی خاص و ناشی از هیجانات اجتماعی به رای‌دهندگان بپیوندند. برای همین لحاظکردن این ۳۰ درصد به‌عنوان معترضان، کمی خوش‌بینانه است.

انتخاباتی شرکت نمی‌کنند؛ چون چندان برای‌شان فرق نمی‌کند که چه کسانی و چگونه بر آنها حکومت کنند و تنها بخشی از این ۳۰ درصد ممکن است در وضعیتی خاص و ناشی از هیجانات اجتماعی به رای‌دهندگان بپیوندند. برای همین لحاظکردن این ۳۰ درصد به‌عنوان معترضان، کمی خوش‌بینانه است. اما درباره ۳۰ درصد باقی‌مانده تا آن ۴۰ درصدی که رای داده‌اند، چه باید گفت؟ آیا با قطعیت می‌توانیم بگوییم که این ۳۰ درصد، تماماً و بی‌کم‌وکاست در سید معترضان هستند و آیا با قطعیت می‌توان همه آنها را در شمار تحریم‌کنندگان به حساب آورد؟ از این ۳۰ درصد، چه تعدادی به دلیل رقابتی‌نبودن انتخابات بود که رای ندادند و چه درصدی از آنها به دلیل نیافتن کاندیدای مطلوب، انگیزه مشارکت را نیافتند و چه درصدی واقعا به دلیل اعتراض، صندوق رای را ترک کردند؟ آیا می‌توان در وضعیت کنونی، درصد هرکدام از این سه مورد را، نه حتی دقیق، بلکه خیلی سردستی و تقریبی محاسبه کرد؟ آن وقت با توجه به این محاسبه‌ناپذیری، چگونه می‌توان از ۶۰ درصد رای اعتراضی سخن گفت، آن‌هم وقتی آرای همان حدود ۳۰ درصد مورد اول را، حتما و قطعاً نمی‌توان به حساب معترضان ریخت. واقعیت این است که علاوه بر آن ۳۰ درصد مورد اول، این سه دسته اخیر هم قابل شمارش نیستند و حالا اینکه تمام این رای‌ندان را یک‌کاسه کنیم و بگوییم همه اینها می‌شود ۶۰ درصد معترض، به لفظ عامیانه، کمی جای چانه‌زنی دارد. برای همین است که می‌گویم آنچه واقعا می‌شود به‌عنوان رای اعتراضی شمارش کرد، همان رای باطله است. دراین‌مان برخی نیز از سه درصد رای تقلبی و مثلاً استفاده از کد ملی سخن می‌گویند.

۳۳

ادامه‌در صفحه ۵



مهرداد احمدی شیخانی

همین ابتدای یادداشت به‌صراحت بگویم که می‌دانم آنچه می‌نویسم، احتمالاً برای بسیاری خوشایند نیست؛ چنان‌که آنچه در این چند سال نوشته‌ام نیز بسیاری را خوش نیامده است؛ اما واقعیت این است که من برای خوشایند کسی نمی‌نویسم، چه آن کس، از صاحبان قدرت باشد و چه از منتقدان یا حتی مخالفان قدرت مستقر. برای این نوع نوشتن هم برای خود دلیلی دارم. من خود را وابسته به جریانی فکری می‌دانم که به اصلاح‌طلبی معروف است و ازاین‌رو خود را اصلاح‌طلب می‌دانم و با آنکه این نام مدت‌هاست که از روزهای ناموری ومحبوبیتش دور شده؛ ولی معتقدم که اندیشه اصلاح‌طلبی هیچ وقت به پایان دوره حیات خود نخواهد رسید. این تفکری است که با جنگ‌های ایران و روس در کشورمان متولد شد و ورود به مدرنیته و دوران معاصر بدون آن میسر نبود و ادامه حیات اجتماعی نیز ناگزیر از حیات آن است؛ چراکه بدون آن، «وضعیت جنبشی» در جامعه‌ما که بیشتر به هویتی شورشی مانند است، ادامه خواهد یافت. وضعیتي که در همین ۱۲۰ سال، از دل آن دو انقلاب، یک نهضت، دو کودتا و چندین جنبش بیرون آمده و به نظر می‌رسد که جامعه همچنان از این شرایط دل نبریده و هنوز هم مستعد جنبش‌ها، شورش‌ها و انقلاب‌هایی دیگر است یا دست‌کم در بین بعضی از نخبکان و بخشی از جامعه، راه‌حل‌هایی از این دست، با وجودی که بسیار هزینه هنگفت و بنیان‌کنی دارد، همچنان مطلوب است و کم نیستند در دو سوی ماجرا، چه آنانی که از ادامه وضع موجود حمایت می‌کنند؛ ولی بعد از ۴۵ سال همچنان انقلابی‌بودن را یک ارزش می‌دانند و چه آنان که راهکار عبور از وضعیت فعلی را در انقلابی دیگر می‌جویند، مبلغان و مروجان همین وضعیت جنبشی در جامعه هستند. اما آنچه دلیل نوشتن این مطلب شد، که قبلاً هم گفتم احتمالاً بسیاری را خوش نخواهد آمد، این است که در این انتخاباتی که حدود ۴۰ درصد واجدان حق رای در آن شرکت کردند، چه دوست داشته باشیم یا نه، آرای باطله را می‌شود شمرد؛

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۱۱۹ ۳۶ ۸۶۰

WWW.SHARGHDAILY.IR

ابلاغ اتهام

شناسه آگهی: ۶۸۱۵۵۱

رجوع به صفحه ۱۰



شرکت سام برق منطقه‌ای خوزستان